

سر زینب

یادداشت

پیشگامان

"چاله هرز" اطلاعات

می‌بایم که جنس سؤالات، مشکلات و راه‌حل‌ها در حال دگرگونی‌ست و نسل جوان شتابان آنها را طرح می‌کنند.

بیش از ۸۰ درصد از مقالات ارسال شده برای درج در فصلنامه کتاب مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات است و در ۲۰ درصد باقیمانده نیز به نوعی ذکر خبری از آن به میان آمده است. با آنکه بعضی از این نوشته‌ها نه از روی ضرورت بلکه از باب "مد" نوشته می‌شوند اما به هر رو باید معترف باشیم که تغییری بنیادین و زندگی‌ساز (که اگر پویا برخورد نکنیم، زندگی‌سوز) در حال وقوع است.

نسل گذشته ما در حد توانایی خود به رسالت‌هایشان عمل کردند و حاصل آن تلاش‌ها را امروز در بیشتر کتابخانه‌ها می‌توانیم بنگریم. اگر نسل جوان این رشته درست هدایت نشود و از برخوردهای سطحی و عوامانه با فناوری ارتباطات و اطلاعات خودداری نکنند و به فکر فهمیدن عمق مسئله نباشد، با توجه به فزونی بیش از حد اطلاعات، کتابخانه‌ها و

کتابداری ایران در عرصه عمل تا حد زیادی روشمند و پویا عمل کرده است و سعی شده است که بیشترین انطباق با استانداردهای بین‌المللی فراهم آید. پدید آمدن ابزارهایی مثل سرعنوان موضوعی فارسی، مستند مشاهیر، انواع گسترش رده‌ها و اصطلاحنامه‌ها، استانداردهای کتابخانه‌ها، دقت‌وسواس گونه‌ای که در فهرست‌نویسی‌ها و تدوین کتابشناسی ملی به‌کار رفته است و موارد متعدد دیگر، همه مؤید این واقعیت هستند. برای این دستاوردهای ارزشمند باید شاکر کسانی بود که عاشقانه از جان مایه گذاشتند و با وجود کاستی‌ها، ابزارهای لازم را پدید آوردند و با پافشاری بر اصول حرفه‌ای، دخالت‌های رایج غیرمتخصصان را تاب نیاوردند و وقتی نهادند و به‌وظیفه خود عمل کردند. اکنون کثیری از آنان در شرف بازنشستگی و کناره‌رفتن هستند ولی این کار نیکوی آنان نکنونامیشان را ماندگار خواهد کرد.

با نیم‌نگاهی به مقالات، سخنرانی‌ها و پژوهش‌هایی که در این حوزه در حال مطرح شدن است به‌راحتی در

پایان‌نامه‌ها همگی بیانگر عمل‌گرایی و صوری بودن آنهاست. به راستی چند طرح تحقیقاتی سراغ دارید که با داعیه طراحی برنامه‌ای ملی و محلی و با صرف بودجه و امکانات بسیار به اتمام رسیده باشد و کوچک‌ترین تأثیری بر روند کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور گذاشته باشد؟

گاه به‌منظر می‌آید که این پژوهش‌ها در یک تجربه "خواب‌گردی" به انجام رسیده و هیچ سازگاری با واقعیت ندارند. این کاستی می‌تواند مراکز آموزشی و پژوهشی را نیز به چاله هرز دیگری تبدیل کند که موجب هدر رفتن استعدادها و امکانات شده و آیندگان را نیز دچار مشکل کند.

به قول ابوسعید: "وقت ما میان دو نفس است: یکی گذشته و یکی نآآمده"، پیشینیان این حوزه تا حد زیادی به رسالت خود عمل کردند. حال را دریابیم و با اصلاح مسیر، آینده را درست رقم زنیم تا نآآمذگان نیز از ما به نکویی نام برند.

توجه داشته باشیم که در دریای پرتغیبر فناوری، وقت اصلاح مسیر بسیار اندک است:

دریاب وقت خویش را که در این بحر موج خیز همچون حباب وقت تو بسیار اندک است

فویروز خسروی

مراکز اطلاع‌رسانی به چاله هرزی تبدیل خواهد شد که نه بر آن پژوهش خواهد رست و نه سائلی به جواب خواهد رسید.

سؤال اساسی این است که برای دوری از این کاستی چه باید کرد؟

شاید یکی از راه کارها برای رسیدن به این هدف نزدیک شدن مراکز آموزشی به کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی باشد. نمی‌توان در برج عاج "تدریس و پژوهش" نشست و نسخه‌های آنجنانی برای مسائل جاری این مراکز نوشت. بیشتر دستاوردهایی هم که تاکنون حاصل شده، نتیجه پژوهش و کار دانشگاهی نبوده است؛ بلکه توسط کسانی پدید آمده که عملاً با موضوع کتابداری و اطلاع‌رسانی درگیر بوده‌اند. رشته ما رشته‌ای "آلی"ست و باید زمینه‌های کاربردی آن را به‌شدت ملحوظ داریم. در عین حال باید معتقد بود که کیفیت و کارآیی شیوه‌ها و راه کارهای به‌دست آمده بستگی زیادی به غنای نظری رشته خواهد داشت.

نزدیکی نهادهای آموزشی و اطلاع‌رسانی می‌تواند سؤالات واقعی و مسائل حقیقی را به دانشجویان و پژوهشگران بنمایاند و آنان را وادارد که ضمن پرداختن به اصول و مبانی نظری راه‌حل‌های منطقی بر واقعیات ارائه دهند و در به کارگیری آن مشارکت داشته باشند.

سمت و سوی بسیاری از پژوهش‌ها و عناوین